

- ۱.....کلام مرحوم نائینی در استدلال بر انقلاب نسبت
- ۱.....تقریب شهید صدر از کلام مرحوم نائینی
- ۲.....مناقشه در کلام مرحوم نائینی
- ۳.....تقریب مرحوم کاظمی از کلام مرحوم آخوند
- ۴.....مناقشه در کلام مرحوم نائینی

موضوع: کلام مرحوم نائینی / انقلاب نسبت / تعادل و تراجم

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در کلام مرحوم نائینی بود که گفته شد ایشان بر خلاف مرحوم آخوند قائل به انقلاب نسبت بوده و آن را از نتایج قهری قانون تخصیص می داند و لذا انقلاب نسبت را نتیجه طبیعی پذیرش تخصیص در عام و خاص مطلق می داند

کلام مرحوم نائینی در استدلال بر انقلاب نسبت

کلام ایشان به دو نحوه تقریب شده است یک تقریب به نقل از شهید صدر و به نقل از اجود التقریرات و تقریب دیگر از مرحوم کاظمی در فوائد الاصول است.

تقریب شہید صدر از کلام مرحوم نائینی ۱

بیان ایشان از کلام مرحوم نائینی که ظاهراً مآخوذ از اجود التقریرات^۲ باشد، به راحتی قابل مناقشه است و بین مقدمات آن ارتباط صحیح، وجود ندارد.

کلام مرحوم نائینی مبتنی بر دو مقدمه است

مقدمه اول: ملاک در تعارض و تنافی بین دو دلیل، حجیت است نه ظهور یعنی تحقق تنافی بین ادله، علاوه بر ظهور در مفاد، منوط به حجت بودن دو دلیل، فیه حد نفسه، نیز هست و لذا تعارض منوط به حجیت است نه دلالت وضعیه.

١ بحوث في علم الأصول، السيد محمد باقر الصدر، ج ٧، ص ٢٨٨.

٢ اجود التقريرات، نائيني، ج ٢، ص ٥١٨.

بنابر این حجت از دلیل «لا تکرّم الفاسق»، اخص مطلق از «اکرم العلماء» است هر چند که ظهور آن اعم من وجه است و از آنجا که ملاک در جمع عرفی مقدار حجت از دلیل است، دلیل «لا تکرّم الفاسق» مقدم بر دلیل «اکرم العلماء» است.

بلکه حتی در موارد عموم و خصوص مطلق، ملاک تقدم اخص مطلق، حجیت آن در خصوص است و همین ملاک در انقلاب نسبت وجود دارد؛ زیرا یکی از عامین من وجه، مخصص داشته و لذا تنها حجت در غیر از مخصص است.

مناقشه در کلام مرحوم نائینی

مناقشه اول

بله مرحوم نائینی هر چند كه انقلاب نسبت را مختص موارد رفع تعارض نمى دانند؛ اما در عام و خصوصات متعدد، قائل به انقلاب نسبت نيستند؛ زيرا خصوصات متعدد در عرض يكديگر هستند پس ملاحظه يكي از آنها قبل از ديگرى وجهى ندارد و بايد همه در عرض واحد بر عام عرضه شوند و لذا اصلا موضوع انقلاب نسبت وجود ندارد.

مناقشه دوم

الفاسق»؛ دلیل «لا تکرّم الفساق» با ورود مخصص «لا یاس باکرام الجاهل الفاسق» در جاهل فاسق حجت نیست پس نباید در نسبت سنجی، بین دو دلیل، آن را ملاحظه نمود.

به عبارت دیگر مقداری از ظهور یکی از عامین من وجه، حجت نیست پس ملاحظه نمی شود و آنچه حجت از آن عام من وجه است؛ اخص مطلق از دیگری است پس باید همان ملاحظه شود؛ زیرا ملاک معارضه و جمع عرفی، به ملاک کشف از مراد جدی است نه به ملاک کشف نوعی (ظهور)؛ چراکه تعارض ناشی از این شده که نمی تواند دو حکم متنافی در لوح وجود داشته باشد پس ملاک در نسبت سنجی ملاک کشف از واقع است که همان حجیت است نه ظهوری که حجت نیست.

با توجه به همین مطلب مرحوم نائینی انقلاب نسبت را پذیرفته و آن را نتیجه قهری قانون تخصیص دانسته است

مناقشه در کلام مرحوم نائینی۱

پاسخ به این ادعا همان است که محقق عراقی نیز در پاورقی فوائد ذکر کرده اند.

اینکه کشف از مراد جدی ملاک در جمع عرفی باشد ثابت نیست؛ بلکه ملاک در جمع عرفی و تخصیص (قوت دلالت) است که مرحوم صدر از آن تعبیر به (تمرکز دلیل) نموده اند به عبارت دیگر مهم گویایی لفظ است و نکته تقدیم خاص نیز این است که کشف خاص از مراد، به نحو متمرکز و متعین است بر خلاف عام که کشف آن از دلیل به نحو عموم و شمول است.

بنابر این وجه جمع عرفی بین عام و خاص این است که قوت دلالت عام کمتر از خاص است.

بنابر این در مواردی که عامی تخصیص خورده باشد، دلالتش نسبت به موارد باقی مانده اقوا نمی شود تا بتواند اخص از عام من وجه دیگر شود. مثلاً دلیل «لا تکرّم الفاسق» پس از تخصیص به «لا باس باکرام الجاهل الفاسق»، در موارد باقی مانده که همان جاهل عالم است، دلالت قوی تری پیدا نمی کند بلکه دلالتش بر موارد باقی مانده نیز به همان عموم است و تخصیص برخی موارد از آن، تاثیری در قوت دلالت عام ندارد؛ زیرا ظهور عام منقلب نشده است تا قوت دلالتش اقوا شود.

بنابر این از آنجا که ملاک در تقدم و جمع عرفی قوت دلالت است و قوت دلالت منوط به حجیت نیست بلکه به لحاظ ظهور و دلالت است و دلالت دلیل، پس از تخصیص، قوی تر از قبل نخواهد شد.

۱ فوائد الاصول، محقق نایینی، ج ۴، ص ۷۴۷.

